

راهبردهای ارتش ج.ا.ا در جنگ ایران و عراق (مطالعه موردی طرح دفاعی ابودر)

سید ناصر حسینی^۱*

نوع مقاله: پژوهشی

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

چکیده

جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، پس از ۶۴۱ بار نقض تمامیت ارضی ایران و با پیش دستی عراق آغاز شد. ارتش ج.ا.ا با مأموریت دفاع از حدود و ثغور کشور، اقدامات کشور عراق را رصد می کرد و قریب یکسال قبل از آغاز جنگ شرایط بحرانی در روابط دو کشور و احتمال آغاز جنگ از سوی عراق را هشدار داده بود. ولی باورمندی و اقدامات لازم در سطح مسئولین عالی کشور در جهت مدیریت بحران ایجاد شده در روابط دو کشور قابل ملاحظه نبود و تصمیمات مقتضی به جهت جلوگیری از بروز جنگ اتخاذ نشد. پس از آغاز جنگ، ارتش ج.ا.ا راهبردهای دفاعی از پیش تدوین شده خود را به اجرا گذاشت و مانع دستیابی دشمن به اهداف و راهبردهای از پیش تعیین شده اش گردید. این در حالی است که عملکرد ارتش در آغاز جنگ تاکنون مورد مناقشه بوده است. لذا محقق در این مقاله به روش توصیفی- تاریخی و گذشته نگر، اقدامات ارتش (قبل از آغاز جنگ ایران و عراق تا پایان سال دوم) را مورد مطالعه قرار داده و ضمن بررسی اسناد موجود، بصورت کتابخانه ای، میدانی و اینترنتی، راهبردهای دفاعی ارتش ج.ا.ا در سال اول جنگ را با مبانی علوم نظامی و راهبردی تطبیق نموده و به پاسخگویی برخی انتقادات از ارتش نیز پرداخته است.

واژگان کلیدی:

جنگ ایران و عراق، دفاع مقدس، سال اول جنگ، راهبردهای دفاعی

^۱ مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا. تهران. ایران.

* نویسنده مسئول: Email: sn.hosseini2002@gmail.com



مقدمه

صدام حسین رئیس جمهور عراق، پس از امضای قرارداد ۱۹۷۵ م. الجزایر با شاه ایران در مورد تعیین حدود مرزی دو کشور در آب و خشکی احساس سرخوردگی می کرد. به همین لحاظ همواره در صدد جبران فرصت های از دست رفته بود.^۱ رئیس جمهور (وقت) عراق شرایط پس از انقلاب اسلامی ایران را برای عملی کردن ایده های خود پیرامون بازپس گیری امتیازات از دست داده در قرارداد ۱۹۷۵ م. را کاملاً مناسب تشخیص داد (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۰۶). وی برای رسیدن به مقصود خویش، از ماه های ابتدایی استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران به سرعت خصومت های دیرین خود را آشکار ساخت و با گفتار و رفتار تنش زا در سطح رسانه ها، تجاوزات مرزی مکرر و نقض حدود و ثغور ج.ا.ا در عرصه های زمین، هوا و دریا، قرائن و شواهد آغاز یک جنگ تمام عیار علیه ج.ا.ا را در نگاه کارشناسان اطلاعاتی ارتش ج.ا.ا بوجود آورد (علایی، ۱۳۹۱: ۱۸۲-۱۷۹). از طرفی انقلاب اسلامی در بعد سیاست خارجی، با شعار «نه شرقی نه غربی» هر دو قدرت موازنه گر (آمریکا و شوروی سابق) در زمان جنگ سرد را نفی می کرد. درحالی که اقدامات خصمانه صدام حسین و حزب بعث عراق، کاملاً با مواضع دو ابر قدرت شرق و غرب علیه ج.ا.ا همسو با سیاست های هر دو ابر قدرت بود. به همین لحاظ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ارتش متجاوز رژیم بعث عراق با استفاده از فرصتی که در فضای بین المللی علیه ج.ا.ا وجود داشت، تجاوز و عملیات اشغالگری خود را در سراسر مناطق غرب و جنوب کشور آغاز کرد. البته چنین شرایطی را فرماندهان ارتش ج.ا.ا از ماه ها قبل، پیش بینی کرده و تهدیدات قریب الوقوع نظامی را از سمت غرب کشور هشدار داده بودند ولی متأسفانه مورد کم توجهی و بی اعتنایی مسئولین سیاسی و رهبران عالی انقلاب قرار گرفته بود. در عین حال، ارتش که طبق قانون اساسی مدافع تمامیت ارضی و حافظ استقلال کشور بود اقداماتی را در جهت دفاع از کشور و مقابله با تجاوزات ارتش رژیم بعث عراق، در سال اول جنگ و قبل از آن انجام داد. باتوجه به اینکه اقدامات ارتش بویژه در سال اول جنگ مورد مناقشه و انتقاد برخی صاحب نظران و کارشناسان واقع شده و از نظر برخی دیگر این اقدامات ناکافی و غیر

^۱ - ضمناً در همین اسناد گفته شده که پس از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با عراق بر اساس مفاد آن هر دو کشور از هرگونه تحرکات مرزی منع شدند لذا اقدامات مربوط به ساخت دژها در مرز شلمچه و طلا به طول ۸۰ کیلومتر ناتمام ماند و فقط گردان دژ در خرمشهر مستقر گردید.

اصولی تشخیص داده شده است (علایی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲۰). و با توجه به این که تاکنون پاسخ مستند و مستدلی به این گونه انتقادات داده نشده است؛ محقق در این پژوهش درصدد تبیین راهبردهای طرح دفاعی ابوذر به عنوان مهمترین اقدام ارتش در سال اول جنگ برآمده تا پاسخگوی نقدهای مذکور باشد. حال سؤال اساسی در این مقاله این است که آیا راهبردهای دفاعی ارتش در طرح دفاعی ابوذر منطبق بر مبانی علمی و نظامی بوده است؟ بنابراین محقق در این مقاله با عنوان «راهبردهای دفاعی ارتش ج.ا.ا در جنگ ایران و عراق (مطالعه موردی طرح دفاعی ابوذر)» تلاش کرده است تا طرح مزبور را از بدو تهیه تا اجرای آن را مورد بررسی قرار داده و مبتنی بر نگاه علمی و آئین نامه‌های نظامی، راهبردهای طرح دفاعی ابوذر را تبیین نموده تا ضمن تطبیق آن با گزاره‌های علمی و نظامی، پاسخی درخور به منتقدین ارتش در سال اول جنگ ایران و عراق داده باشد.

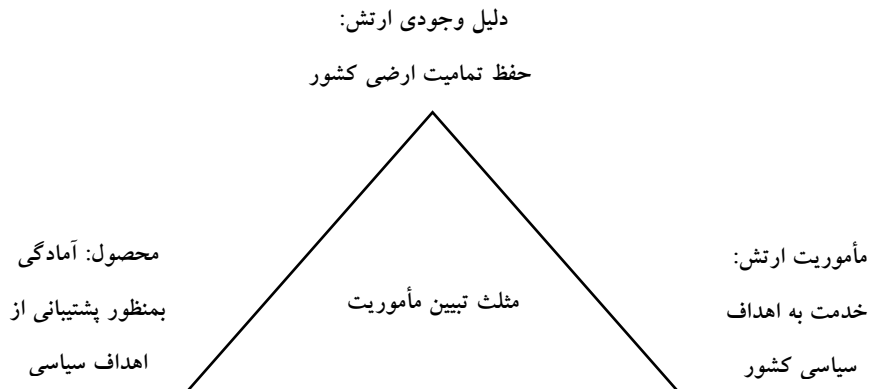
مبانی نظری

ارتش ج.ا.ا پس از انقلاب اسلامی متشکل از سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی بوده و در سند بالادستی نظام، یعنی قانون اساسی، مأموریت آن حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی کشور شناخته و ابلاغ شده است. این مأموریت براساس مثلث زیر تبیین شده است. (قانون اساسی ج.ا.ا، اصل ۱۴۳).

آینیاس^۱ که نگارنده قدیمی‌ترین کتاب غربی در زمینه استراتژی نظامی تحت عنوان «چگونه می‌توان در محاصره زنده ماند» در قرن چهارم قبل از میلاد می‌باشد، در این مورد که چگونه منابع موجود (ازجمله سپاهیان) را باید به بهترین وجه گسترش داد، بیشتر ابراز علاقه نشان داده است. در قرن اول میلادی فرانتینوس^۲ این چنین تعریفی را از استراتژی ارائه کرد: "استراتژی به تمام آن چیزهایی مثل دوران‌دیشی، بصیرت، مزیت، تهور یا ثبات عزم که یک فرمانده نظامی بدست می‌آورد اطلاق می‌شود" (لطفیان، ۱۳۸۴: ۲).

^۱ Aineias

^۲ Frontinus



شکل (۱) مثلث تبیین مأموریت (چکینی، ج ۱، ۷۱)

لیدل هارت استراتژی را «هنر تخصیص و کاربرد ابزار نظامی برای تحصیل اهداف سیاسی» توصیف می کند (همان، ۵). در فرهنگ وبستر، استراتژی به «علم برنامه ریزی و نظارت بر عملیات نظامی» توصیف شده است (Websters, 1993). تعریف متداول در اندیشه های استراتژیک معاصر در آمریکا عبارت است از: «علم، فن یا طرح برای تشکیل، تجهیز و بکارگیری نیروهای نظامی یک ملت یا یک اتحاد موقتی از ملت ها به منظور حفظ منافعی در برابر دشمنان بالفعل، بالقوه یا صرفاً تصویری» (جان بیلیس و سایرین، ۱۳۶۹: ۲۹). طرح عبارت از روش یا تدبیری است که برای انجام یک عمل نظامی تعیین شده، به عنوان قسمتی از اقدامات طرح ریزی، آمادگی یگان را برای روبرو شدن با یک پیشامد در یک منطقه معین نشان می دهد. طرح ممکن است شفاهی یا کتبی باشد^۱. با این که طرح ها بر مبنای شرایط یا فرض های ویژه ای تهیه می شوند، نبایستی آنها را ثابت و تغییر ناپذیر پنداشت. بلکه با برآوردها، تجزیه و تحلیل ها و بررسی های مداومی که در جریان طرح ریزی کلی صورت می گیرد تغییر یافته، تصحیح شده، با نیازمندی های روز تطبیق داده می شوند و به هنگام اجرا با دستورات جزء به جزء تکمیل یا اصلاح می شوند (دستوررزمی ۵-۱۰۱، ۱۳۶۵: ۱۱۰). از سوی دیگر برای تهیه یک طرح استراتژیک مؤثر نیازمند رعایت یک سری ملاحظات اساسی و استانداردهایی به شرح زیر هستیم:

^۱ محقق: طرح عملیات در یگان های نظامی، معمولاً از رده تیپ به بالا کتبی تهیه می شود.

- (۱) صلاحیت طراحان و مجریان طرح
- (۲) بازی تیمی (همکاری و همگرایی حرفه‌ای برای انجام یک کار گروهی)
- (۳) حدود و چارچوب طرح‌های استراتژیک باید معین باشد.
- (۴) طیفی از طرح‌ها (متکی نبودن به یک طرح، به عبارتی داشتن گزینه‌های متعدد)
- (۵) تخصیص واقع بینانه منابع (ایجاد ارتباط عقلایی بین منابع فیزیکی مانند؛ نیروی انسانی، مواد، تجهیزات، تأسیسات، منابع مالی و اهداف و نتایج طرح)
- (۶) بموقع بودن برون دادها (طرحی که بموقع آماده نشود بهتر است هرگز تهیه نشود).
- (۷) اعمال کنترل، نظارت و بازرسی بی طرفانه توسط رده بالاتر (چکینی، ۱۳۸۴: ۲۵۱-۲۴۱).

با توجه به این که یکی از منظوره‌های طرح‌ریزی در یکان‌های نظامی، دستیابی به تصمیمات منطقی، عقلایی و بهره‌مندی از مشاوره خبرگان و افسران متخصص در ستادهای فرمانده می باشد؛ لذا برای رسیدن به این منظور ترتیب توالی کارها با عنوان (ترتیب توالی اعمال فرماندهی و ستاد)، با انجام شور ستادی اول و دوم، اقدامات مربوط به تصمیم‌گیری و اجرای آن بین فرمانده و افسران ستاد شامل گام‌های نه گانه، به شرح زیر تقسیم می شود (دستور رزمی ۵-۱۰۱، ۱۳۶۵: ۹۴).

جدول (۱) ترتیب توالی اعمال فرماندهی و ستاد

گام	وظایف فرمانده	گام	وظایف ستاد
۱	دریافت مأموریت و صدور دستور آگهی	۲	دادن اخبار به فرمانده و ارکان ستاد
۳	تجزیه و تحلیل مأموریت و راهنمای طرح‌ریزی	۴	تهیه برآوردهای ستادی
۵	برآورد فرماندهی شامل تدبیر فرمانده	۶	تهیه طرح‌ها و دستورها
۷	تصویب طرح‌ها و دستورها	۸	صدور طرح‌ها و دستورها
۹	نظارت فرماندهی و ستاد در جهت اجرای مأموریت		

هدف از تنظیم استراتژی دفاعی حفاظت از منافع امنیت ملی در برابر تهدیدات نظامی دشمنان خارجی و به ویژه دولت‌هایی است که از توزیع قدرت در وضعیت موجود خود راضی و از قدرت نظامی یا عضویت در اتحادیه‌های امنیتی برای حفظ وضعیت موجود استفاده می کنند یا

دولت‌هایی که از توزیع قدرت در جهان ناراضی بوده لیکن از توان نظامی لازم برای دستیابی به قدرت بیشتر برخوردار نمی باشند. برای مثال می توان به استراتژی پدافندی ویت کنگ در برابر تهاجم ارتش آمریکا، استراتژی پدافندی ج.ا.ا در برابر تهاجم عراق^۱ و استراتژی مردم افغانستان در برابر تهاجم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) اشاره کرد. استراتژی پدافندی به منظور دفاع از سرزمین خود در برابر تهاجم یا حملات زمینی، هوایی، دریایی و موشکی دشمن و تسهیل عملیات آفندی علیه نیروهای متجاوز اتخاذ می شود و دارای دو بعد عامل و غیرعامل است (چکینی، ۱۳۸۴: ۸۳). طرح دفاعی ابوذر مشتمل بر ۶۹ صفحه به همراه ملحقات آن در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱ به دستور عملیاتی تبدیل و به جهت اجرا به نیروهای زیرامر و سازمان‌های مربوطه ابلاغ گردید. در واقع این طرح ضمن بررسی شرایط محیط ملی و بین‌المللی و شناسایی تهدیدات با ملاحظه توانمندی‌های داخلی توسط طراحان نیروی زمینی که دارای سوابق علمی و عملی بوده‌اند تهیه گردیده است. با توجه به شرایط بوجود آمده در اثر انقلاب اسلامی، در این طرح محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی، در نظر گرفته شده به طوریکه بتواند با استفاده از امکانات موجود و تأکید بر حفظ تمامیت نیروها از تمامیت ارضی کشور دفاع نماید (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۱). ضمناً ذکر این نکته ضروری است که طرح دفاعی ابوذر تاکنون عنوان راهبردی نداشته است. لیکن به دلیل جامعیت آن و اینکه برای دفاع سراسری از کشور - مناطق شرق، شمال شرق، شمال غرب، غرب، جنوب غرب و جنوب (جزایر سه گانه) - تهیه شده و در مقابل تهدیدات در چهارسوی ایران برنامه داشته است؛ براساس تعاریف و نظر استراتژیست‌هایی که در مبانی نظری آمده می توان آن را در ردیف طرح‌های راهبردی صورت بندی کرد.

اقدامات فرماندهان ارتش در قبال تجاوز ارتش بعثی عراق، دقیقاً قبل از آغاز جنگ شروع شده که شرح آن در اسناد زیر نهفته است. اولین سند مربوط به جلسه‌ی مورخه ۱۳۵۸/۸/۱۷ است. این جلسه به درخواست فرماندهان ارتش و به دعوت رئیس ستاد مشترک وقت (سرلشگر محمد حسن شاکر) در ساعت ۰۹:۲۰ در دفتر وزیر دفاع وقت (شهید دکتر مصطفی چمران)

^۱ طرح های دفاعی ارتش قبل از جنگ ایران و عراق، تحت عناوین طرح دفاعی ابوذر (نزاجا)، طرح البرز (نهما) و طرح ذوالفقار (نداجا)، دقیقاً همان استراتژی پدافندی ج.ا.ا بوده است.

تشکیل شده است.^۱ دعوت شدگان در این جلسه، مطابق صورت جلسه‌ی موجود عبارتند از: آقای دکتر چمران (وزیر دفاع ملی)، آقای سید علی خامنه‌ای (معاون وزرات دفاع ملی در امور انقلاب) و فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش هستند. مشروح مذاکرات این جلسه در صورت جلسه زیر آمده است: در مقدمه این جلسه سرلشگر شاکر می‌گوید: "انگیزه این گردهمایی ارائه توانایی‌ها و محدودیت‌های نیروهای سه گانه در مقابل تهدیدات، بالخصوص همسایه‌ی غربی (کشور عراق) است". و از رؤسای ستاد نیروها^۲ می‌خواهد که محدودیت‌ها و مقدورات خود را شرح دهند تا همگی حضار در جریان قرار بگیرند. اولین نفر سرتیپ فلاحتی صحبت می‌کند وی آمادگی نیروی زمینی را اینگونه بیان می‌کند: "در مورد آمادگی نیروی زمینی و توانایی این نیرو در مقابل یک تهدید که در صدر آن تهدید عراق است. وضعیت پرسنلی؛ استعداد افسری ۷۰٪، درجه داری ۷۰٪، سربازی ۳۰٪ (که این استعداد خدمات سرویسی انجام می‌دهند و از نظر عملیاتی صفر است و راه کار؛ احضار ۱۲ دوره سرباز است) و انضباط متوسط و روحیه خوب است و از پشتیبانی مردم بهره‌مندیم، وضعیت لجستیکی از نظر مهمات بیش از سی روز و از نظر سطح نگهداری ۳۰ درصد (بنابراین در عملیات نمی‌توان روی این سطح حساب نمود) و از نظر تحرک ۴۰٪ (این تحرک مربوط به یگان‌هایی است که بایستی ۱۰۰٪ متحرک باشند و سایر یگان‌هایی که تحرک کمتری دارند این تحرک صفر است)، وضعیت آموزشی از نظر آموزش یگانی و تمرینات صحرایی، صفر و آموزش انفرادی متوسط و در سطح قابل قبولی است. از نظر وضعیت عملیات باید عرض کنم که نیروی زمینی برای انجام عملیات متکی به زمین است و برای مقابله با عملیات همسایه غربی عراق برابر طرح موجود وارد عمل خواهد شد" وی سپس به ذکر جزئیات طرح و نحوه اجرای طرح دفاعی پرداختند. سپس شهید دکتر چمران وزیر دفاع (وقت) شروع به صحبت می‌کند و می‌گوید: "فکر حمله عراق به ایران را نکنید، عراق از ملت خود می‌ترسد، از ایران می‌ترسد به پرسنل نظامی خود اعتقاد و ایمان ندارد و به همین انگیزه از کشورهای خارج خلبان استخدام کرده

^۱ در گذشته ستاد ارتش مستقیم با بالاترین مقام کشور در ارتباط بوده است ولی پس از انقلاب هنوز متولی ارتش مشخص نیست لذا مقامات عالی ارتش برای اعلام نیازمندی و گزارش خود از وزیر دفاع در خواست ملاقات می‌نمایند تا خواسته آنها را به مقامات مسئول کشور منتقل نمایند.

^۲ - در سال اول پس از انقلاب، اولین فرماندهان نیروها به عنوان رئیس ستاد نیرو منصوب شده بودند.

است، اکثر مردم رهبری صدام حسین را قبول ندارند و در اکثر مناطق کشور عراق هرج و مرج است، شیعیان عراق در پشتیبانی از ملت ایران هستند، اگر ما با جنگ‌های منظم نتوانیم عملیات موفقیت آمیزی انجام دهیم آن‌ها را با جنگ‌های چریکی از پای درخواهیم آورد و از هم اکنون از اجرای آموزش‌های چریکی نباید غافل باشیم فعلاً سرتیپ فلاحی رئیس ستاد نیروی زمینی و فرمانده لجستیکی نیروی زمینی همکاری‌های لازم را با ستوان همتی همانطوریکه در جریان هستند با استخدام و تجهیز هزار نفر جهت پوشش نوار مرزی غرب به عمل آورند و مشکلات خود را با من در میان بگذارند". سپس سایر فرماندهان به شرح مقدمات و محدودیت‌های یکان خود پرداختند که از ذکر آن در این مقاله صرف نظر می‌شود. در خاتمه جلسه حجت الاسلام خامنه‌ای (معاون وقت وزارت دفاع) می‌فرماید: که "حمله عراق احتمالی است، البته به صورت جنون‌آمیز متصور است ولی موفقیت آمیز نیست در دستگاه رهبری عراق تناقض فکری وجود دارد، تعدادی اهل تشیع، اکراد و احزاب مختلف مخالف رژیم عراق هستند، کمتر از ۱۵٪ از مردم عراق طرفدار حکومت‌اند و...". بنابراین اسناد، در صورتی‌که هشدار ارتش در مورد حمله عراق جدی گرفته نشده است. ولی حرف اساسی ارتش در تاریخ ۱۳۵۸/۰۸/۱۷ یعنی بیش از ۱۰ ماه قبل از آغاز رسمی جنگ، این بوده که اعلام می‌دارد: **تهدید ارتش عراق بسیار جدی است.** اسناد بعدی که حاکی از هوشیاری و آمادگی ارتش نسبت به تحولات مرزی است؛ در مورد جلسه‌ای است (حسینی، ۱۴۰۰: ۷۵-۴۹). باتوجه به سابقه مناقشات مرزی ایران و عراق، نحوه‌ی دفاع در مقابل حمله احتمالی این کشور، قبل از انقلاب با سه پیش فرض در ستاد نیروی زمینی طراحی^۱ شده بود (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۶-۲۳۵). این بررسی و تدابیر دفاعی طی صورتجلسه دیگری (موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ) در تاریخ ۱۳۵۸/۰۹/۰۲ به منظور گزارش ستاد نزاجا به فرماندهی تنظیم شده به این شرح است: نظر به اینکه در حال حاضر ارتش نمی‌تواند در مقابل تهدیدات احتمالی بلادفاع بماند و اجرای طرح-های عملیاتی موجود نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران با مقدمات و امکانات

^۱ - پیش فرض سناریوهای دفاعی به این ترتیب بود که در شرایط برتری نیروهای خودی در ساحل شط العرب و در خاک دشمن دفاع خواهد شد، در شرایط برابری نیروهای خودی و دشمن، روی خط مرز و در شرایط برتری دشمن، درخوزستان پشت رودخانه‌های کرخه و کارون دفاع خواهد شد.

فعلی امکان پذیر نیست لذا بعد از بررسی‌های لازم در ستاد مشترک و توجیه اداره دوم در مورد تهدیدات احتمالی لزوم تهیه یک طرح دفاعی و پیش‌بینی‌های لازم، الزامی تشخیص داده شده و بعد از ارائه کلیه محدودیت‌های لجستیکی و پرسنلی از طریق نیروهای سه‌گانه در رابطه با کشورهای همجوار، فرضیاتی برای تهیه یک طرح دفاعی پیش‌بینی و مورد تصویب قرار گرفت.

۲. مأموریت ارتش جمهوری اسلامی ایران بمنظور دفاع از تمامیت کشور ابلاغ گردید (حسینی، ۱۳۹۴: ۸۹-۴۲).

۳. تدبیر عملیاتی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی دستورالعملی بمنظور اعمال حاکمیت ملی در نقاط مختلف کشور در برابر تجاوزات احتمالی دشمن، بویژه در منطقه غرب کشور ابلاغ شد (حسینی، ۱۳۹۶: ۸).

۴. بر مبنای اقدامات انجام شده فوق بهترین راه کار نزاجا به منظور دفاع در مقابل تجاوز احتمالی دشمن در غرب کشور در شور ستادی مورخه ۱۳۵۸/۰۸/۲۳ که با حضور جانشین و معاون تیمسار ریاست ستاد نزاجا و معاونت‌ها و افسران مسئول تشکیل گردید تهیه و انتخاب گردید و به عنوان پیشنهاد ارائه گردید.^۱ در این جلسه مدیر (وقت) عملیات معاونت عملیات نزاجا مرحوم سرهنگ محمد وصالی^۲ مواردی را به شرح زیر به عنوان یادآوری اعلام می‌نماید:

الف- طرح عملیاتی نیروی زمینی باید حداکثر تا تاریخ ۱۳۵۸/۰۹/۰۵ تهیه و ارسال گردد.

ب- با وجود اینکه در تدبیر عملیاتی ستاد مشترک قید گردیده که از پشتیبانی‌های ملی (سپاه پاسداران و اقشار ملت) برابر طرح‌های تهیه شده حداکثر استفاده به عمل خواهد آمد معهذا، به علت عدم تهیه طرح، مراتب در نظر گرفته نشود. (یعنی نیروهای سپاه و اقشار ملت و مردمی بدون طرح بکار گرفته نشوند. بنابراین هرگونه کمک به نزاجا اعم از انفرادی و یگانی باید مطابق با طرح‌ها، آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌های نزاجا باشد).

^۱ - در واقع نطفه طرح ابوزر در این جلسه منعقد می‌شود.

^۲ - این جلسه توسط مرحوم سرهنگ محمد وصالی اداره شده و صورتجلسه نیز به امضای ایشان می‌باشد. ضمناً وی در ادامه این صورت جلسه بخش‌های فرضیات، مأموریت، تدبیر عملیاتی ستاد ارتش، تدبیر عملیاتی نیروی زمینی و اقداماتی که باید انجام شود را ذکر کرده است.

ج- نیروهای سه گانه و ژاندارمری که تحت کنترل عملیاتی نیروها قرار می گیرند عهده دار تأمین لجستیک و پرسنل خود می باشد.^۱ سند چهارم مربوط به طرح عملیاتی ژاندارمری است که بر اساس طرح (ابوذر) نراجا تهیه شده است که در آن به طور خلاصه طرحی برای پدافند از مرزهای شرقی، غربی و جزایر سه گانه تهیه می نماید (حسینی، ۱۴۰۰: ۷۵-۴۹). فرماندهان ارتش پس از برگزاری جلسات هشدار دهنده با مسئولین کشور و انقلاب و جلسات توجیهی با اعضای ستاد خود، علی رغم جوّ بی اعتمادی نسبت به ارتش و بی ثباتی در اوضاع سیاسی کشور و عدم باور مسئولین نسبت به تهدید عراق، ارتش ج.ا.ا را بردهای دفاعی خود را بشرح زیر در قالب دستورالعمل، برای آمادگی نیروها در مقابل تهدیدات احتمالی در زمان سرلشکر محمد حسین شاکر صادر نموده است که به این شرح است: "ارتش جمهوری اسلامی ایران با اعمال حاکمیت ملی در نقاط مختلف کشور در برابر تجاوزات احتمالی دشمن از تمامیت ارضی ایران در منطقه غرب کشور دفاع می نماید" (مرکز اسناد هیئت معارف جنگ). سپس رئیس ستاد ارتش، در ادامه به نیروهای سه گانه ابلاغ می نماید که طرح های دفاعی خود را تا تاریخ مقرر تهیه کرده و ارسال نمایند. نراجا طرح ابوذر را که در آذرماه ۱۳۵۸ آماده و پس از اجرایی شدن آن به عنوان دستور عملیاتی در خرداد ۱۳۵۹ برای اجرا به ستاد مشترک ارسال می نماید. طرح البرز که در نیروی هوایی روزآمد شده بود در آبان ۱۳۵۸ به ستاد مشترک فرستاده شده و طرح ذوالفقار نیروی دریایی در شهریور ۱۳۵۹ به دستور عملیاتی تبدیل و اجرایی می شود.^۲

به طور خلاصه براساس نظرات کارشناسان نظامی، در سال ۱۳۵۹ باتوجه به آمادگی رزمی و توان عملیاتی با محاسبه شایستگی رزمی^۳ و شمارش گردان های رزمی و پشتیبانی رزمی خودی

^۱ - این عبارت به این مفهوم است که مطابق آئین نامه عملیات مشترک و مرکب، نیروها بر عناصر خود فرماندهی منهای عملیاتی دارند و عناصر تحت کنترل عملیاتی نیروی زمینی هستند.

^۲ - با توجه به اینکه موضوع اصلی این مقاله راهبردهای طرح دفاعی ابوذر است لذا صرفاً طرح ابوذر مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. در واقع این طرح، تفکر اصلی و بنیادی ارتش در مورد دفاع در شرایط پس از انقلاب در مقابل تهاجم احتمالی ارتش عراق بود. البته نیروی هوایی، دریایی و ژاندارمری نیز برابر وظیفه خود در طرح های مربوطه (البرز، ذوالفقار و ابوذر ژاجا) مأموریت پشتیبانی هوایی و مرزداري آن را بعهده داشته اند.

^۳ - شایستگی رزمی یا توان رزمی، رتبه ای است که یک یکان از معدل رتبه استعداد نیروی انسانی، آموزش، تجهیزات، تحرک، مخابرات (برابر جدول سازمان یکان) بدست می آید و رتبه کمتر از ۶۰٪ را در ردیف غیرعملیاتی قرار می دهند.

و دشمن انجام شده است. به این ترتیب که نسبت آمادگی رزمی نیروی‌های خودی کمتر از ۵۰٪ و میزان آمادگی رزمی نیروی‌های دشمن بیش از ۹۰٪ و حداقل چهار برابر ارتش ایران برآورد شده بود (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۵).



شکل (۲) طرح‌های دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران

روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نیروی زمینی ارتش عراق با ۱۲ لشکر از محورهای معبرهای نفوذی غربی و جنوب غربی کشور به ایران حمله کرد و وارد خاک ایران شد، این در حالی بود که ارتش ایران تنها ۴ لشکر با توان رزمی کمتر از ۵۰٪ در مرز داشت (کردزمن، ۱۳۸۹: ۱۹۰). یکان‌هایی که در طرح حر^۱ قرار بود از خوزستان دفاع کنند در شهریور ۱۳۵۹ استعداد پرسنلی و تجهیزاتی آن یا بهتر بگویم آمادگی رزمی آنها کمتر از ۵۰٪ بود (حسنی سعدی، ۱۳۹۹: ۸۳-۸۱). به همین دلیل، طرح دفاعی ابوذر با ملاحظه و محاسبه توان دفاعی خودی و دشمن، مطابق با تاکتیک‌های نظامی و با هدف حفظ تمامیت نیروها برای توقف و سد تهاجم، تثبیت و دفع تجاوز تا نابودی دشمن، طی یک راهبرد چهار مرحله‌ای به صورت گام به گام به شرح زیر تدوین شده بود (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۴). قابل ذکر اینکه؛ طرح دفاعی ابوذر مطابق با فرمت دستور رزمی مصوب ارتش تهیه شده و دارای برآوردهای ستادی نیروی انسانی، اطلاعاتی،

^۱ - لشکر ۹۲ زرهی اهواز بر مبنای طرح ابوذر این طرح را تهیه و مطابق آن به انجام مأموریت در مناطق شمالی، میانی و جنوبی خوزستان پرداخت

عملیاتی و لجستیکی بوده و اطلاعات مربوط به دشمن بطور مرتب روز آمد شده بود (دستور رزمی ۵-۱۰۱، ۱۳۶۵).

جدول (۲) راهبردهای چهارگانه طرح دفاعی ابوذر

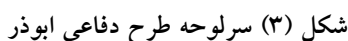
راهبرد اول: کند کردن و متوقف کردن دشمن بوسیله عملیات تأخیری
راهبرد دوم: تثبیت، تضعیف و فرسوده کردن دشمن بوسیله عملیات نامنظم
راهبرد سوم: پدافند در سایر نقاط مرز غربی و دفع تجاوز دشمن در منطقه جنوب
راهبرد چهارم: آفند متقابل تا نابودی کامل نیروهای متجاوز

باتوجه به شناخت دقیق طراحان از محیط پیرامون و بین الملل ج.ا.ا، فرضیات طرح دفاعی ابوذر بطور واقعی و هوشیارانه تنظیم و تا پایان جنگ با واقعیت صحنه نبرد مطابقت داشته است.

- ۱) عملیات ارتش در کردستان ادامه داشته و تغییر مکان یگان‌های مستقر در منطقه امکان‌پذیر نمی‌باشد.
- ۲) احتمال پشتیبانی از یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌وسیله کشورهای تدارک‌کننده قطعات یدکی بعید است.
- ۳) در خلال درگیری ارتش در مرزهای غربی، امکان تحرکاتی از جانب کشور افغانستان وجود دارد.
- ۴) از طریق کشور پاکستان تهدیدی متصور نیست، ولی احتمال برخورد با عناصر ضدانقلاب در جنوب شرقی کشور وجود دارد.
- ۵) در طول عملیات در غرب کشور، جنگ روانی از طریق کشورهای آمریکا، اسرائیل و مصر علیه ایران ادامه خواهد داشت.
- ۶) عراق همچنان از پشتیبانی لجستیکی و آموزشی کشور شوروی برخوردار خواهد بود.
- ۷) کشورهای حوزه خلیج فارس از لحاظ سیاسی و تسهیلات پایگاهی، کشور عراق را پشتیبانی خواهند نمود.
- ۸) کشور ترکیه در طول عملیات، بی‌طرفی خود را حفظ خواهد نمود.
- ۹) از آغاز عملیات برتری هوایی با کشور خصم می‌باشد.

۱۰) احتمال پشتیبانی شیعیان مقیم کشور عراق از کشور ایران وجود دارد.

(۱۱) در طول عملیات، ارتش از پشتیبانی ملّی به طور کامل برخوردار خواهد بود.



ارتش اگرچه تهدید عراق را بسیار محتمل می‌داند ولی با توجه به وظیفه ذاتی خود (حفظ حدود و ثغور کشور) از سایر مرزهای کشور غافل نبوده و گزارش مأموریت را به شرح زیر برای کلیه مرزهای کشور نوشته است:

"نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران از دالامپرداغ (مرز مشترک ایران و عراق و ترکیه) تا فاو (دهانه شط العرب در خلیج فارس) از مرز باختری ایران و عراق دفاع نموده و با استفاده از عناصری از لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوایرد از رودخانه اروند دفاع می‌نماید. تیپ ۵۵ آماده می‌شود پس از ورود یگانهای تقویتی به منطقه غرب بنا به دستور در سایر مناطق مورد تهدید اعم از درون مرزی یا برون مرزی بکار رود و هم‌زمان با اجرای عملیات دفاعی در غرب با امکانات موجود در منطقه، مرز خاوری را از دهانه ذوالفقار تا گواتر پوشش می‌نماید".

راهبرد اول نیروی زمینی دفاع را در منطقه با ۴ لشکر و یک تیپ پیاده، در منطقه دفاعی مقدم از شمال باختری تا جنوب اجرا می‌نماید، لشکر ۶۴ پیاده و لشکر ۲۸ پیاده، به ترتیب در شمال، لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده در مرکز و لشکر ۹۲ زرهی در جنوب، لشکرهای در خط با اعزام

عناصر تأمین حرکت متجاوز را در زمین‌های بلافصل مرز بتأخیر^۱ می‌اندازد" (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۴). بنابراین؛ مرحله اول این راهبرد برای متوقف کردن دشمن بوسیله عملیات تأخیری یا اصطلاحاً (مبادله زمین در مقابل زمان)، تدبیری بود که در ابتدا برای آماده شدن و رسیدن عمده قوا به منطقه عملیاتی که مورد توجه بود و با اتخاذ همین تدبیر بود که دشمن، به ترتیب در معبر جنوبی خوزستان ۳۴ روز معطل شد تا توانست خرمشهر غربی تا رودخانه کارون را اشغال نماید (حسینی سعدی، ۱۳۹۹: ۲۷۴). در معبر میانی خوزستان پس از قریب ۶۰ روز با دفاع رزمندگان اسلام در دهلاویه و منطقه طراح و آب تیمور متوقف شد. در معبر شمال خوزستان نیز پس از ۶ روز در آنسوی پل کرخه در شرایطی متوقف گردید (همان، ۱۱۱-۱۰۹) که یک سرپل به طول حداقل شش کیلومتر از تپه خرولی تا رودخانه کرخه و به عرض سه تا پنج کیلومتر در سرخه نادری در اختیار نیروهای خودی قرار داشت (علایی، ۱۳۹۱: ۲۸۵). ضمن اینکه، این سرپل فرصت‌هایی را برای عملیات‌های بعدی فراهم کرد. در واقع رزمندگان اسلام متشکل از نیروهای ارتشی و سپاهی و مردمی که بمنظور دفاع از سرزمین، خود را به مناطق جنگی رسانده بودند توانستند با استفاده از امکانات محدود دفاعی و تاکتیک استفاده از عوارض زمین، دشمن را پشت رودخانه‌های کرخه و کارون متوقف نمایند. این نکته قابل ذکر است که در اسناد ارتش قبل از انقلاب برای دفاع از خوزستان در مقابل تهاجم احتمالی همسایه غربی سه سناریو تدوین شده بود. به این ترتیب که در صورت آمادگی کامل نیروهای دفاعی (برتری نیروهای خودی) پس از احساس تهدید از سوی دشمن نیروهای دفاعی دست به عملیات پیش‌دستانه زده و در ساحل شط‌العرب (در خاک دشمن) دفاع خواهند کرد و در فرض داشتن شرایط برابر با دشمن، ضمن ایجاد موانع مرزی (سه ردیف دژ بر روی معبر شلمچه- از شلمچه تا طلایه- به عمق ۹ کیلومتر بوسیله گردان دژ) دفاع خواهد شد و با فرض شرایط نابرابر (ضعف نیروهای خودی) با استفاده از عوارض زمین در پشت رودخانه‌های کرخه و کارون دفاع خواهد شد (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۵-۲۳۶). بنابراین اکنون وقتی اسناد و مدارک جنگ ایران و عراق در روزهای اول جنگ را مرور می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که

^۱ - یگان‌ها هنگامی مبادرت به عملیات تأخیری می‌نمایند که توان آنها برای آفند یا پدافند کافی نباشد و یا طرح‌ریزی عملیات به گونه‌ای است که می‌بایستی با اجرای مانور در مقابل دشمن، او را به منطقه مورد نظر کشانده و با اجرای پانک قوی ساخت (دستور رزمی ۵-۱۰۱).

سناریوی سوم، یعنی شرایط نابرابر (قدرت رزمی به نفع عراق) برای دفاع از مرزهای غربی کشور، پیش فرض طرح دفاعی ابوذر بوده است. منظور از عبارت اصطلاحی زمین در برابر زمان همان عملیات تأخیری است که در آغاز جنگ به دلایل غیرحرفه‌ای و شانتاز تبلیغاتی، مقبول برخی نیروهای انقلابی نبود و باعث تبلیغات منفی علیه ارتشیان گردید. ولی در عمل ارتش با گرفتن زمان از ارتش عراق و با استفاده از عوارض زمین و مزیت‌های دفاع سرزمینی، دشمن را در زمین‌های نامناسبی متوقف کرده و با انجام عملیات‌هایی وضعیت را به نفع نیروهای مدافع (خودی) تثبیت نمود (سامرای، ۱۳۸۰: ۸۱-۶۴). در واقع چنین می‌توان گفت: نیروهای مدافع با این راهبرد، منطقه و زمین عملیات‌های آینده را نیز به دشمن تحمیل کردند. زیرا در غیر این صورت نیروهای خودی بایستی با دشمن در حال حرکت و پیشروی، رزم تصادمی انجام می‌دادند و تلفات و ضایعات بیشتری را متحمل می‌شدند. خصوصا در صورتیکه استعداد دشمن بسیار بالاتر از نیروهای خودی بود، امکان هزیمت نیروهای خودی محتمل بود. بنابراین ارتش با این راهبرد و استفاده از تاکتیک‌های دفاعی در مرحله اول طرح ابوذر، ضمن حفظ تمامیت نیروهای خودی، حرکت دشمن را کند و متوقف کرده و او را از حالت آفندی به حالت پدافندی درآورده است (کردزمن، ۱۳۸۹: ۱۹۲). در واقع با این اقدام، دشمن از اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود و استراتژی «جنگ برق آسا» که قصد داشت در هجوم اول جزیره آبادان و خوزستان را اشغال کرده و براروند رود مسلط شود، بازماند و در یک کلام نیروهای خودی با راهبرد اول طرح دفاعی ابوذر در دو ماه اول جنگ و تجاوز دشمن، استراتژی ارتش عراق را با شکست مواجه ساختند (علایی، ۱۳۹۲: ۱۹۸-۱۹۶). البته در این زمانی که در اثر عملیات تأخیری بدست آمد، عمده قوای خودی نیز بتدریج وارد مناطق عملیاتی شده و یکان‌های موجود در طرح دفاعی ابوذر را تقویت کردند (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۷). شایان ذکر است در منطقه جنوب و یا معبر نفودی جنوب خوزستان (بصره- شلمچه- خرمشهر- آبادان)، قرارگاه اروند به عنوان فرماندهی مخصوص در منطقه جنوبی خوزستان ایجاد شده و فرماندهی آن طبق دستورالعمل فرماندهی اروند به فرمانده (وقت) ژاندارمری «سرهنگ فروزان» واگذار شد (حسینی، ۱۳۹۷: ۴۴). مسئولیت این قرارگاه که براساس منطقه تعیین شده بود، مقابله با تجاوز عراق در منطقه جنوب و ساماندهی دفاع در خرمشهر بود. در منطقه میانی خوزستان شهید چمران یک گروه به نام (گروه جنگ‌های نامنظم) ایجاد کرده و

قرارگاه آن را در محل استانداری سابق اهواز قرار داده و نیروهای خود را به معبر نفوذی میانی (العماره - چزابه - سوسنگرد - اهواز) اعزام کرده بود. این گروه از رزمندگان مردمی که فرماندهان آنها توسط شهید مصطفی چمران از یکان‌های ارتش انتخاب شده بودند در سوسنگرد با دشمن درگیر بودند. شایان ذکر است که بدلیل حساسیت این محور با توجه به نزدیکی آن به مرکز استان (اهواز) در این قرارگاه شهید چمران، شهید فلاحی و حجت الاسلام خامنه‌ای حضور فعال داشتند. آنها بر این باور بودند که اهواز یک منطقه بسیار مهمی است و اگر دشمن به این منطقه دسترسی پیدا کند، بسیار خطرناک خواهد بود (مرآتی، ۱۳۹۶: ۲۰-۱۷). در واقع سقوط شهر اهواز به معنی موفقیت رژیم صدام حسین و تثبیت استراتژی تجاوز طلبانه وی بود. در شمال خوزستان نیز با توجه به حساسیت و نزدیکی این محور به دزفول و اندیمشک که راه مواصلاتی خوزستان به مرکز کشور از آن طریق امکان پذیر بود؛ قرارگاه نیروی زمینی مستقر گردیده بود و سرتیپ ظهیرنژاد، فرمانده نزاجا و بنی صدر (رئیس جمهور و فرمانده کل قوای وقت) در این قرارگاه حضور داشتند و معتقد بودند خطرناک‌ترین معبر خوزستان معبر نفوذی شمالی (العماره - فکه - عین خوش - دزفول) است که در صورت موفقیت ارتش عراق و تصرف دزفول، ارتباط خوزستان با مرکز کشور قطع خواهد شد. لذا به دلیل اهمیت این محور اولویت را به این محور داده بودند و نیروهایی که از مرکز کشور به خوزستان می‌رسید در ابتدا به این محور اختصاص می‌دادند. بنابراین ترکیب فرماندهی در روزهای ابتدایی تجاوز عراق در مناطق مرزی جنوب حساسیت فراوانی را برای فرماندهان ایجاد کرده بود تا هر یک نسبت به منطقه مسئولیت خود احساس وظیفه بیشتری داشته باشند و همین تفکیک مسئولیت‌ها براساس وظیفه و منطقه، در مناطق سه‌گانه خوزستان با وجود اختلافاتی که بین فرماندهان^۱ بوجود آورده بود ولی انگیزه‌ها را برای حفظ منطقه مسئولیت تقویت کرده بود و هر کدام تلاش می‌کردند تا امکانات، یگان‌ها و نفرات بیشتری را برای دفاع از منطقه مسئولیت خود در اختیار بگیرند. لذا این چینش ابتکاری و آرایش دفاعی در منطقه جنوب، دفاع جانانه‌ای را در این مناطق رقم زد؛ بنوعی که دشمن در محور شمالی خوزستان

^۱ روابط فرماندهی قرارگاه اروند با نیروی زمینی چنین عنوان شده است: فرماندهی اروند از طریق نیروی زمینی در تابعیت فرماندهی نیروی مسلح خواهد بود. ولی این مطلب برای مرحوم ظهیرنژاد قابل قبول نبود و دائم این اختلاف بین این دو فرمانده وجود داشت.

در ۶ روز اول، پشت رودخانه کرخه، در منطقه جنوبی پس از ۳۴ روز پشت رودخانه کارون در خرمشهر غربی و سرپل مارد و در منطقه میانی، نهایتاً در ۵۶ روز اول جنگ در روستای دهلاویه، پنج کیلومتری سوسنگرد متوقف گردید (حسینی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۳۱). راهبرد دوم در مرحله بعد برای ورود به راهبرد دوم یعنی تثبیت، تضعیف و فرسوده کردن دشمن بوسیله عملیات نامنظم، نیروی زمینی، بدون اینکه از سایر مناطق کشور غافل باشد، طرح بدر را تهیه و آن را بوسیله یکان‌های خودی، با تهاجم و شبیخون توسط گروه‌های نامنظم، با عملیات شبانه و جنگ چریکی و گشتی‌های رزمی به طور مکرر مورد حمله قرار داد (علایی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۷۱). گزاره مأموریت این مرحله از عملیات به شرح زیر می باشد: "نزاجا عملیات پدافند داخلی را همچنان در مناطق استان‌های ارومیه، کردستان و کرمانشاهان بر علیه عوامل مسلح مزدوران داخلی ادامه داده و حملات نیروهای مزدور بعثی عراق را در مناطق کرمانشاه، ایلام و خوزستان متوقف کرده و در مقدم ترین مواضع دفاعی ممکنه آن را سد می کند و از هم اکنون با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود، دشمن را تضعیف کرده و سپس در ساعت (س) روز (ر) با هدایت عملیات آفندی در محور اندیمشک- عین خوش و اندیمشک- دوسلک نیروهای دشمن را در منطقه نابود کرده و با گسترش عملیات در سایر جبهه‌ها خط مرز بین‌المللی را ترمیم و آماده می شود بنا به دستور عملیات را به منظور سرنگون کردن رژیم کافر صدام حسین به داخل خاک کشور عراق بکشاند" (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۳). نزاجا برای اطمینان از مرحله تثبیت، اعلام کرد: بمنظور تضعیف و فرسوده کردن، نیروهای متجاوز را براساس طرح بدر بطور مکرر مورد تهاجم قرار دهید. لذا این عملیات‌ها در دستورالعمل^۱ بدر، از طریق فرمانده نیروی زمینی به یگان‌های تابعه ابلاغ شد. که ضمن مراقبت و کنترل خطوط پدافندی در سراسر جبهه‌های غرب و جنوب و ادامه مأموریت برقراری امنیت در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی، نسبت به انجام عملیات‌های ایذایی و دستبرد به دشمن بعثی اقدام نمایند. بنابراین مأموریتی که در طرح بدر پیش‌بینی شده بود، از تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱ به شرح زیر به مرحله اجرا گذاشته شد. ضمناً این نکته قابل ذکر است که قسمت دوم بند مأموریت برای نابودی دشمن بنا به دستور است که معمولاً در طرح‌ها و دستورالعمل‌های بعدی، بصورتی

^۱ - طرح عملیاتی وقتی زمان اجرای آن مشخص شده و به امضای فرمانده رسید به دستور عملیاتی تبدیل می شود.

مشروح‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که براساس اسناد موجود، نیروی زمینی برای اجرای این دو راهبرد از طرح ابوذر (تثبیت و فرسوده کردن دشمن) در سال اول جنگ، عملیات آفندی متعدد و محدودی در مناطق عملیاتی تپه چشمه، تپه الله اکبر، زغن، انگوش، دارخوئین و عملیات در شمال آبادن و ... انجام داد. که با وارد آوردن ضربات پی در پی به متجاوز موجب به ستوه آمدن، فرسوده شدن و تضعیف دشمن گردید (حسنی سعدی، ۱۳۹۹: ۳۰-۳۱). طبق یک محاسبه در مقطع زمانی سال اول جنگ، در مجموع، بیش از ۱۵۰ عملیات آفندی و پدافندی، گسترده و نیمه‌گسترده، مستقل و مشترک با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی در مناطق مختلف جنوب و غرب در جهت تضعیف و فرسایش دشمن انجام گرفته است (حسینی، ۱۴۰۰: ۷۳). راهبرد سوم نیروی زمینی ارتش برای راهبردهای دیگر از طرح دفاعی ابوذر^۱ بمنظور سد رخنه دشمن (دفع تجاوز و تعقیب متجاوز) طرح خندق (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۱۱). را به‌منظور بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده و تعقیب متجاوز از مورخه ۱۳۶۰/۳/۱ به اجرا گذاشت که گزاره بند مأموریت این دستور عملیاتی بشرح زیر می‌باشد:

"قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب، با یگان‌های زیرامر (برابر لیست عده‌ها) در مواضع پدافندی موجود (کالک عملیاتی پیوست) پدافند می‌کند و با اجرای تک‌های محدود محلی و عملیات چریکی و عملیات روانی نیروهای دشمن را تضعیف می‌نماید و آماده می‌شود بنا به دستور به سمت غرب آفند کند و نیروهای دشمن را عقب براند و خط مرزی را ترمیم نماید" (همان، ۱۱۲). این نکته شایسته توضیح است که راهبرد دفع تجاوز به عنوان راهبرد سوم طرح ابوذر با عنوان طرح خندق از اول خرداد ماه ۱۳۶۰ با عملیات الله اکبر در غرب اهواز آغاز شد و برای اولین بار قسمتی از زمین‌های اشغال شده در غرب اهواز (تپه‌های الله اکبر و شحیطیه) از اشغال دشمن آزاد شدند (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۸-۲۴۹). از این پس عملیات‌های مربوط به راهبرد سوم طرح ابوذر (دفع تجاوز دشمن) با عملیات‌های مهم و بزرگ ثامن الائمه (ع)، طریق القدس،

^۱ - نیروی زمینی برای انهدام نیروهای متجاوز پس از آمادگی و انتقال یا برداشت نیرو از سایر مناطقی که در منطقه دفاعی جلو رخنه نبوده اند پاتک نموده و مرز قراردادی را ترمیم می‌نماید.

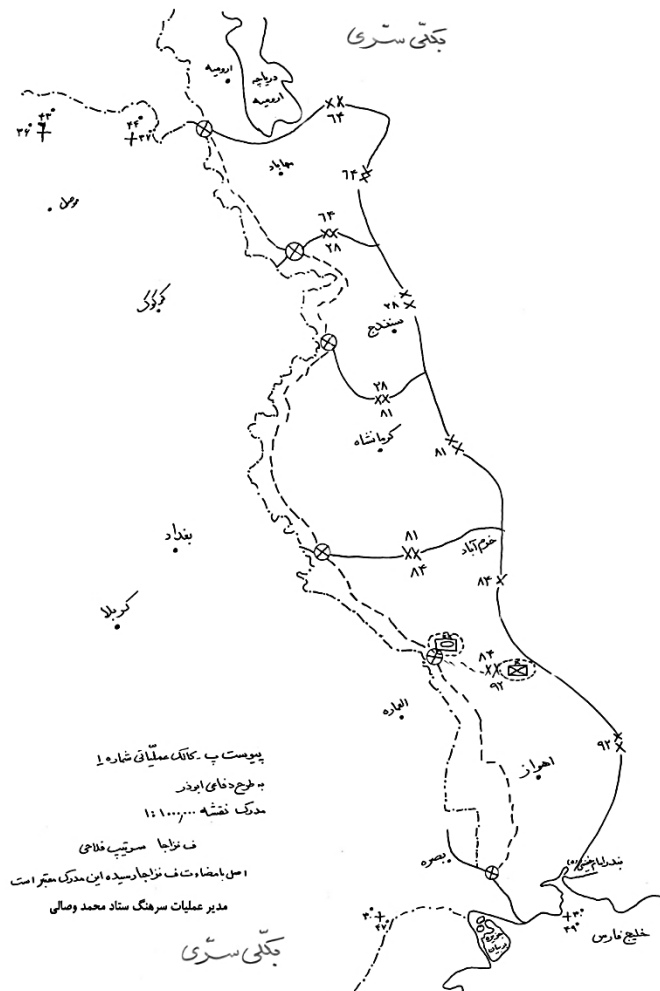
فتح المبین و بیت المقدس^۱ ادامه پیدا کرد و پس از عملیات بیت المقدس بخش اعظمی از سرزمین های اشغال شده توسط دشمن بوسیله رزمندگان اسلام آزاد شد و بخشی را نیز ارتش عراق با اتخاذ تاکتیک عقب نشینی (مفید، ۱۳۹۸: ۱۳۸) اختیاری از مهلکه بیرون برد و تنها ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در نقاط مختلف تا پایان جنگ در اشغال دشمن بعی ماند (علایی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۴۷۸). بنابراین با وجود همه کاستی ها، محدودیت ها و اختلافات بین فرماندهان و علیرغم جو ناسالم سیاسی در کشور بویژه در حوزه فرماندهی جنگ - اختلاف بین نیروهای انقلابی با فرماندهی وقت کل قوا (آقای بنی صدر) - سه راهبرد از چهار راهبرد طرح دفاعی ابوذر با موفقیت اجرا شد و دشمن از دستیابی به اهداف و استراتژی خود بازماند (همان، ۷۲-۷۰). در عین حال برخی ادبیات و مکتوبات تولید شده دفاع مقدس، بر طریقه دفاع ارتش بویژه در سال اول، خرده گرفتند به عنوان مثال: آقای حسین علایی در کتاب روند جنگ ایران و عراق (ج ۱) ابتدا مدعی است که ستاد ارتش برای مقابله با تهاجم عراق یک طرح مؤثر نظامی نداشت و در ادامه از قول امیر عبدالحسین مفید اضافه کرده است؛ طرح تجدید نظر شده ابومسلم بنام طرح ابوذر وجود داشت ولی بدلیل تغییرات عمده در سطح منطقه و ساختار و گسترش واحدهای منظور شده در طرح قابلیت اجرا نداشت (علایی، ۱۳۹۱: ج ۱: ۱۲۰). در صورتیکه توضیحات و اسناد بررسی شده در این مقاله نشان می دهد که حداقل از یازده ماه قبل از آغاز جنگ، ارتش در جریان تهدیدات عراق (همسایه غربی) قرار داشت و هشدارهای لازم را داده و طرح های دفاعی خود را آماده کرده بود و با آغاز تجاوز عراق، عمده قوای خود را بتدریج از داخل کشور فراخواند و ضمن ایجاد یک خط دفاعی ۱۰۰۰ کیلومتری در مقابل ارتش عراق راهبردهای دفاعی خود را به اجرا گذاشت (حسینی، ۱۴۰۰: ۲۲).

روش شناسی

این پژوهش درواقع یک مطالعه گذشته نگر از دوران هشت ساله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است که از نوع توصیفی - تاریخی بوده و جامعه آماری آن مبتنی بر جمع آوری اسنادی و

^۱ - این نکته قابل ذکر است، حادثه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ فرماندهان جنگ پس از عملیات ثامن الائمه باعث شد تا تغییرات اساسی و عمیقی در سرفرماندهی جنگ رخ دهد و عملیات های طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس که در بخش راهبرد سوم طرح دفاعی ابوذر دسته بندی می شود تحت فرماندهی قرارگاه مشترک کربلا توسط (شهید علی صیاد شیرازی و برادر محسن رضایی) فرماندهی شود.

کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی بوسیله ابزارهایی از قبیل فیش‌نویسی، مصاحبه با پیشکسوتان جنگ ایران و عراق و مشاهده بدست آمده و پایایی و روایی داده‌ها به تواتر در سایر منابع تأیید شده است و به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مبانی نظری نظامی و علوم راهبردی، تجزیه و تحلیل شده و نتایج آن برای بهره برداران و کارشناسان نظامی و تاریخی کاربردی می باشد.



تصویر (۱) کالک عملیاتی طرح دفاعی ابوذر

تجزیه و تحلیل

۱. با عنایت به جلسه فرماندهان با مسئولین عالی انقلاب و کشور، ارتش قریب یازده ماه قبل از جنگ، تهدید نظامی عراق را هشدار داده است.
۲. باوجود محدودیت‌های لجستیکی و نیروی انسانی، نیروهای سه گانه ارتش، طرح دفاعی جامعی در مقابل تهدیدات احتمالی از سوی غرب، شرق و جنوب کشور داشته‌اند.
۳. تدبیر فرمانده نزاجا برای تأمین کسری نیروی انسانی، مبنی بر احضار ۱۲ دوره سرباز احتیاط، مورد توجه قرار نگرفت. باتوجه به ظرفیت (وقت) مراکز آموزش نزاجا، اگر این پیشنهاد عملی می شد در مدت کوتاهی استعداد ارتش به عدد تقریبی ۵۰۰۰۰۰ نفر می رسید و به احتمال قوی تهدید رژیم بعثی عراق دفع می گردید.
۴. نزاجا در طرح ابوذر شرکت نیروهای مردمی و سپاه پاسداران در جنگ را منوط به صدور دستورالعمل دانسته و شرکت آنها را تحت کنترل عملیاتی خود پذیرفته است. اما به دلیل عدم پذیرش چنین خواسته‌ای متأسفانه همواره شاهد عدم وحدت فرماندهی در طول جنگ و اختلافاتی بین ارتش و سایر نیروها بوده‌ایم که توصیف آن از حوصله این مقاله خارج است.
۵. باوجود برتری نیروی دشمن، ارتش با بضاعت موجود خود و براساس راهبردهای چهارگانه طرح دفاعی ابوذر و با مرحله بندی و منطقه بندی مناطقی عملیاتی توانست ابتدا حرکت ارتش رژیم بعث عراق را با عملیات تأخیری کند کرده، سپس در مواضع سد کننده، متوقف نموده و با حملات چریکی فرسوده نماید و در راهبرد سوم، تجاوز دشمن را دفع نماید.
۶. طرح دفاعی ابوذر برای تنبیه متجاوز به عنوان راهبرد چهارم^۱ متناسب با توانمندی‌های خود تدبیری اندیشیده بود که پس از دفع تجاوز دشمن و ترمیم رخنه و رسیدن نیروها به مرزهای بین‌المللی، بایستی دشمن تا مرحله نابودی تعقیب شود. صرفنظر از اینکه آیا بضاعت ج.ا.ا برای ادامه جنگ تا نابودی دشمن کفایت می کرد یا خیر، این راهبرد قبل از

^۱ راهبرد چهارم؛ نیروی زمینی بنا بدستور با ۳ لشکر زرهی در خط، لشکر ۸۱ زرهی در محور عمومی قصرشیرین - خسروی - خانقین - بغداد و لشکر ۱۶ زرهی در صورت برداشت از منطقه و تمرکز در خوزستان در محور عمومی عین خوش - علی غربی - کوت و لشکر ۹۲ زرهی در محور عمومی تنومه - بصره - ناصریه، آفند متقابل و نیروهای متجاوز را نابود می‌سازد.

آغاز جنگ و در زمان طراحی مطرح بود و تا پایان هشت سال دفاع مقدس نیز مورد توجه و تأکید فرماندهان جنگ قرار داشت ولی بصورت غیرحرفه‌ای از عملیات رمضان تا قبول قطعنامه ۵۹۸ (شش سال پایانی جنگ)، پیگیری شد ولی متأسفانه نتیجه قابل قبولی نداشت.

۷. در آغاز تجاوز ارتش بعثی عراق، با تدبیر شهید سرلشکر فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش ج.ا.ا، متناسب با وضعیت نیروهای موجود و مناطق عملیاتی، منطقه بندی جدیدی متناسب با مرزهای جنوب غربی ایجاد گردید و براساس معابر جنوبی، میانی و شمالی استان، سه قرارگاه در شمال، منطقه میانی و جنوب خوزستان ایجاد شد. در منطقه غرب نیز دو قرارگاه، یکی در کرمانشاه برای مقابله با تهاجم عراق و دیگری در شمالغرب برای مقابله با ضد انقلاب داخلی تعیین گردید. فرماندهی هر یک از قرارگاه‌ها بعهده یکی از مسئولین دینفوذ و فرماندهان عالی رتبه لشکری واگذار شد. به عنوان مثال؛ آیت الله خامنه‌ای و شهید چمران که در آن زمان در محور میانی قبول مسئولیت کرده بودند، تمام تلاش خود را بکار بردند و با پذیرش ریسکی بزرگ، تیپ ۲ دزفول را به منطقه سوسنگرد آوردند تا محاصره سوسنگرد را در ۲۶ آبان ۱۳۵۹ بشکنند. بنابراین با همین ابتکار بود که دشمن به هیچ یک از اهداف خود نرسید.

۸. در ادامه منطقه بندی مناطق عملیاتی و تقسیم وظایف، ایجاد دو قرارگاه فرماندهی دیگر یکی در غرب و شمالغرب کشور نیز دیگر تدبیر ستاد ارتش و نیروی زمینی بود. قرارگاه غرب در کرمانشاه به فرماندهی سرهنگ عطاریان و قرارگاه شمالغرب به عنوان فرماندهی مخصوص با مأموریت پاکسازی منطقه از احزاب تجزیه طلب کردی، به فرماندهی سرهنگ صیاد شیرازی در ارومیه تشکیل شد. دستورالعمل تشکیل این قرارگاه چنین اشعار می‌دارد: "سرکار سرهنگ موقت توپخانه علی صیاد شیرازی از تاریخ ۱۳۵۹/۰۴/۲۲ به فرماندهی عملیاتی منطقه غرب منصوب می‌گردد و ..." (مرکز اسناد هیئت معارف جنگ). ذکر این نکته در این قسمت خالی از لطف نیست؛ که تفکیک وظیفه و مسئولیت مقابله با تجاوز عراق و مقابله با تجزیه‌طلبان در کردستان و آذربایجان غربی و پاکسازی شهرهای

منطقه، اقدامی بجای، علمی و قابل ستایش بود و نتیجه این شد که؛ پاکسازی شهرهای منطقه توسط قرارگاه مذکور در شمالغرب بسرعت انجام گردید.

۹. راهبردهای طرح دفاعی ابوذر، با فرضیات مبتنی بر واقعیات و توان دفاعی و شایستگی رزمی نیروهای مسلح کمتر از ۵۰٪ برای دفاع با ارتش تا دندان مسلح عراق و با ذخیره ارزی مناسب (قریب ۳۱ میلیارد دلار)، با دوراندیشی، بصیرت، آینده نگری، محاسبه هزینه-فایده، تهور، ثبات عزم و در نظر گرفتن مزیت‌های جغرافیای نظامی منطقه عملیات با رویکردی علمی و با استفاده از آئین نامه ها و علوم نظامی توسط افسران عالی رتبه ارتش که غالباً در دانشگاه‌های نظامی داخل و خارج تحصیل کرده و دارای تجارب خدمتی و شایستگی های لازم بودند^۱ بنوعی تدوین شد تا بتواند با تخصیص و کاربرد دقیق منابع، ابزار دفاعی، ضمن حفظ روحیه و توان دفاعی و تمامیت یکان‌های ارتش ج.ا.ا، در مقابل تهاجم غافلگیرانه ارتش عراق موفق و سربلند باشد.

۱۰. موضوع دیگر، چهار عملیات ناموفق ارتش در ماههای اول جنگ است که همواره مورد نقد بسیاری از کارشناسان غیر ارتشی قرار گرفته است. این چهار عملیات که در فاصله ۲۳ مهر ۵۹ تا ۲۰ دیماه ۵۹ انجام شده است، عبارت است از: تک ۲۳ مهر سال ۵۹ لشکر ۲۱، عملیات جاده ماهشهر- آبادان توسط گردان ۱۴۴ در سوم آبان ۵۹، (حسنی سعدی، ۱۳۹۹، ج: ۱، ۲۷۱-۲۷۰) عملیات نصر لشکر ۱۶ قزوین در ۱۵ دیماه ۵۹ و عملیات توکل تیپ ۳۷ شیراز در ۲۰ دیماه ۵۹ است که در مجموعه عملیات‌های سال اول طرح ابوذر دسته بندی می شود. البته آقای دکتر حسین علایی در کتاب خود تحلیل خوبی از آنها دارد و ضمن پذیرفتن تأثیر گذاری مثبت بر روند عملیات‌های تدافعی ارتش، دلایلی که برای عدم موفقیت آنها بر می شمارد عبارتند از: عدم توازن با نیروی مقابل، ضعف آموزش، طراحی و تجربه یکان های عمل کننده و ... ولی وقتی بدقت اسناد را بررسی می کنیم به این نتیجه می رسیم که مهمترین دلیل عدم موفقیت این چهار عملیات، عدول از شرایط و محدوده عمل راهبردهای طرح ابوذر بوده است. به این معنی که در راهبرد اول و دوم طرح ابوذر که مبنی بر توقف، تثبیت و نهایتاً فرسوده کردن دشمن بوده و برای گرفتن

^۱ - به عنوان مثال؛ شهید فلاحی، قبل از انقلاب در مراکز آموزشی و دانشگاهی ارتش از جمله دانشکده فرماندهی و ستاد خدمت کرده و طبیعتاً شناخت او از افسران دارای تجربه و دانش نظامی در انتصابات مؤثر بوده است.

زمین و دفع اشغال و تجاوز دشمن آمادگی لازم در یکان‌های نزاجا وجود نداشته است. لیکن غالباً یکان‌های عمل کننده با فشار شخصیت‌ها و ارگان‌های سیاسی و انقلابی که احتمالاً در شهرها و مجامع سیاسی از سوی مردم و گروه‌های سیاسی بدلیل عدم تحرک در جبهه‌ها تحت فشار بوده‌اند، باعث انجام عملیات تعجیلی می شد که معمولاً نتیجه کاملاً مثبتی در بر نداشته است. به عنوان مثال در عملیات ۲۳ مهرماه، وقتی هنوز لشکر ۲۱ بطور کامل به منطقه نرسیده فرمان اجرای عملیات را به فرمانده لشکر ابلاغ می کنند و در مقابل اعتراض فرمانده به علت عدم آمادگی تنها ۴۸ ساعت به او فرصت می دهند (سلیمانجاء، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۸۶). بنابراین دخالت اراده سیاسی در انجام عملیات قبل از آمادگی کامل یکان، عامل اصلی عدم موفقیت در اینگونه عملیات‌ها بوده است (حسنی سعدی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۳۲). ولی عملیات ماهشهر را نمی توان یک عملیات ناموفق محسوب کرد چراکه در این عملیات فرماندهی قرارگاه اروند دو گردان را دانسته برای جنگ با یک لشکر عراقی، با هدف به تأخیر انداختن عملیات لشکر متجاوز انجام می دهد تا شهر آبادان را از خطر اشغال برهاند. بنابراین فرمانده قرارگاه با فدا کردن یا طعمه قراردادن این دو گردان، ۴۸ ساعت در عملیات لشکر عراقی تأخیر ایجاد می کند تا گردان ۱۵۳ تیپ ۲ لشکر ۷۷ برای دفاع وارد آبادان شود. بنابراین با انجام این عملیات و پذیرش تلفات و ضایعات آن است که محاصر آبادان ناقص می ماند و گردان ۱۵۳ به فرماندهی سرهنگ ۲ کهتری وارد آبادان شده و این شهر را از خطر اشغال می رهاند (علایی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۸۸-۲۸۷). عملیات نصر که در ۱۵ دیماه ۵۹ طراحی و اجرا شده است مثل دو عملیات گذشته، در شرایط عدم آمادگی کافی نیروها از نظر توازن قوا با دشمن و ضعف آموزش و تجربه از نظر روش مقابله با دشمن و مهمتر اینکه در شرایط فشار سیاسی داخل به فرماندهان تحمیل شد و اگرچه تجربه‌ای برای عملیات‌های آتی دستاورد این عملیات بود ولی نتیجه و توفیقات مناسبی نداشت. اما موضوع اصلی و قابل بحث در این عملیات که سالها حاشیه سازی می کرد. شهادت دانشجویان و بسیجیانی بود که از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی شهید حسین علم الهدی در این عملیات شرکت کرده بودند (همان، ۲۹۱). البته این موضوع، متأثر از تعصبات صنفی کارشناسان، هیچوقت

بصورت علمی مورد بررسی قرار نگرفت. فقط برای خواباندن جوّ تبلیغاتی نیروها علیه یکدیگر توصیه‌هایی از سوی فرماندهان صادر شد. در صورتیکه باید پس از بررسی کارشناسی از این حادثه سنگین و پرهزینه و پرتلفات عملیات نصر بهره‌ها می بردیم. در هرصورت برای بررسی این موضوع لازم است به یک بند از تصمیماتی که در پیشینه طرح ابوذر وجود دارد توجه نمائیم. در پیشینه این طرح، چنین آمده است: "با وجود اینکه در تدبیر عملیاتی ستاد مشترک قید گردیده که از پشتیبانی‌های ملکی (سپاه پاسداران و اقشار ملت) برابر طرح‌های تهیه شده حداکثر استفاده به عمل خواهد آمد. معهذا به علت عدم تهیه طرح، مراتب در نظر گرفته نشود." یعنی اینکه در صورت به بکارگیری نیروهای غیرنظامی باید طرحی نوشته و هماهنگی‌هایی به عمل آید در غیر اینصورت بکارگیری نشود. با مراجعه به آئین نامه‌های نظامی به این نتیجه می رسیم؛ که اگر دو نیرو بخواهند بصورت مشترک عملیاتی انجام دهند مقدماتی دارد و بایستی هماهنگی‌های لازم انجام شود و روابط فرماندهی بین آنها مشخص شود و در عملیات مشترک این موضوع مفصل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. ولی در این عملیات بدون در نظر گرفتن این مباحث، دو نیروی غیر هم نام و غیر هم پا، بدون هرگونه طرح و آموزش و هماهنگی‌های سازمانی وارد عملیات شدند. به همین دلیل این حادثه رخ داده است. چهارمین عملیات سال اول که بیشتر مورد نقد برادران سپاه قرار گرفته عملیات توکل است که در ۲۰ دی ماه سال ۵۹ به فاصله ۴ روز از عملیات نصر انجام شد. این عملیات به فرماندهی قرارگاه اروند در حد یک گردان و با هدف شکست حصر آبادان اجرا شد (همان، ۲۹۲). در صورتیکه نیروهای دشمن در سرپل شرق کارون شامل؛ تیپ ۸ مکانیزه با ۳ گردان مکانیزه و یک گردان تانک در حوالی قصبه، تیپ ۶ زرهی با ۳ گردان تانک و یک گردان مکانیزه در عمق منطقه سرپل رو به روی حفار، تیپ ۴۴ پیاده با ۳ گردان پیاده در شمال آبادان و گردان شناسایی صلاح الدین لشکر ۳ زرهی جنوب سلیمانیه برای پوشش جناح شمالی سرپل (تقریباً در حد یک لشکر تقویت شده) بوده است (حسنی سعدی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۹۸-۲۹۷). بنابراین یک گردان از نیروهای خودی مبتنی بر راهبردهای دفاعی طرح ابوذر به مصاف یک لشکر تقویت شده عراقی رفته‌اند. با این توصیف کارشناسان نظامی با شرایط و بضاعت نیروی زمینی در آن زمان که چهار عملیات را در طول حداکثر ۳ ماه فقط در منطقه جنوب انجام داده است،

چه انتظاری از این عملیات‌ها دارند. برای توجیه و تحلیل بهتر چهار عملیات نیروی زمینی از ۲۳ مهر تا ۲۰ دی، به جدول مقایسه‌ای زیر تهیه شده که اهداف آنها در شرایط اجرا طبقه بندی (بکلی سری) داشته است. لذا باتوجه به عدم توازن قوا بین نیروهای خودی و دشمن در هر چهار عملیات و تلاش دشمن بمنظور توسعه وضعیت خود در مناطق متوقف شده بویژه در سرپل شرق کارون و عبور از رودخانه بهمنشیر، هیچ هدف و راهبردی بجز تأخیر و تثبیت برای این چهار عملیات در هنگام طراحی متصور نیست (همان، ۱۹۶-۲۹۰). ولی از آنجا که طبقه بندی اینگونه عملیات‌ها (بکلی سری) است و حتی فرماندهان دارای دسترسی (سری) مثل فرماندهان تیپ هم به هنگام عملیات نباید به این اسناد (بکلی سری) دسترسی داشته باشند چرا که در صورت آگاهی در عزم و اراده عملیاتی آنها تأثیر منفی خواهد داشت. به همین دلیل است که بسیاری از کارشناسان با غرض و بدون غرض به این نکته مهم توجه نداشته و این چهار عملیات را شکست خورده توصیف کرده اند. البته این نکته دور از ذهن نیست که بحران سیاسی داخلی سال ۱۳۵۹ و اختلاف بین سپاه و آقای بنی صدر (رئیس جمهور وقت) که مسئولیت فرماندهی کل قوا را نیز به عهده داشت، بر قضاوت و تحلیل کارشناسان سپاهی بی تأثیر نبوده است و از آنجا که توفیق در این عملیات‌ها می توانست بر تثبیت رئیس جمهور (وقت) نیز تأثیر داشته باشد (علایی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۹۵). به همین دلیل این عملیات‌ها شکست خورده تحلیل و تبلیغ شده است.

جدول (۴) مقایسه نیروهای خودی و دشمن در چهار عملیات سال اول جنگ ایران و عراق

ردیف	نام عملیات	زمان عملیات	استعداد خودی	استعداد دشمن	اهداف
۱	پل کرخه	۵۹/۷/۲۳	۳ گد پیاده و ۱ گد زرهی	۲۰ گد پیاده و زرهی	تأخیر- تثبیت
۲	جاده ماهشهر/آبادان	۵۹/۸/۳	گردان ۱۴۴ و ۲۰۹	۱ لشکر تقویت شده	تأخیر- تثبیت
۳	نصر	۵۹/۱۰/۱۵	۲ تیپ زرهی و ۱ گد سپاه	۲ زرهی و ۱ تیپ م	تأخیر- تثبیت
۴	توکل	۵۹/۱۰/۲۰	۱ گردان تقویت شده	۱ لشکر تقویت شده	تأخیر- تثبیت

نتیجه‌گیری

- ۱- عملیات‌هایی که در قالب راهبردهای چهارگانه دفاعی ارتش ج.ا.ا در طرح ابوذر انجام شد کاملاً موفق و عمدتاً به صورت عملیات‌های مشترک و با حضور و پشتیبانی نیروی هوایی و دریایی، مشارکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تعدادی نیز با حضور گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران و نیروهای مردمی انجام شده است.
- ۲- علیرغم عدم آمادگی لازم نیروهای سه‌گانه ارتش ج.ا.ا، به دلیل شرایط انقلاب در کشور، وجود کاستی‌ها، محدودیت‌های پرسنلی، لجستیکی و آموزشی، ناهماهنگی‌های بین نیروهای سیاسی و نظامی و جابجایی فرماندهان بویژه پس از سانحه هوایی و شهادت فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران، تا پایان عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر سه راهبرد از چهار راهبرد طرح ابوذر در قالب طرح‌ها و دستورالعمل‌های مختلف با نتایج نسبتاً قابل قبولی عملیاتی گردید و بیش از ۹۰٪ از سرزمین‌های اشغالی آزاد شد.
- ۳- راهبرد چهارم طرح دفاعی ابوذر نیز، تحت عنوان تنبیه، تعقیب، تا نابودی متجاوز، از تیرماه ۱۳۶۱ با انجام عملیات رمضان تا تیرماه سال ۱۳۶۷ (زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸) و پایان جنگ بصورت غیرحرفه‌ای پیگیری شد ولی متأسفانه راهبرد چهارم به نتیجه قابل توجهی نرسید.
- ۴- چهار عملیات به اصطلاح شکست خورده سال اول جنگ، که بطور مکرر در مکتوبات دفاع مقدس مورد انتقاد برادران سپاهی قرار گرفته مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه علمی و منطقی آن این بود که؛ این عملیات‌ها با هدف تأخیر، توقف و تثبیت نیروهای دشمن مبتنی بر راهبردهای طرح دفاعی ابوذر انجام شده که به نتایج قابل قبولی رسیده و در جایگاه خود قابل دفاع می باشد.

پیشنهاد

هشت سال جنگ ایران و عراق با همه توفیقات و ناکامی‌ها، تلفات انسانی و هزینه‌های مادی آن بخشی از تاریخ نظامی کشور می باشد لذا پیشنهاد محقق برای سایر محققین گرامی در حوزه دفاع مقدس این است که راهبردهای سایر طرح‌های عملیاتی ارتش و سپاه در طول هشت سال دفاع مقدس را با نگاه علوم نظامی و راهبردی مورد بررسی قرار

دهند تا تجارب دفاع مقدس، توفیقات و ناکامی‌های آن بدور از هرگونه تحریف و اغراق در اختیار نسل‌های آینده کشور و جامعه بشری قرار گیرد.

قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- تهامی، سید مجتبی. (۱۳۹۰)، *امنیت ملی، دکنترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، سازمان عقیدتی سیاسی اجا، تهران
- جان بلیس و سایرین. (۱۳۶۹)، *هوشمند میرفخرایی، استراتژی معاصر*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران
- چکینی، حسن. (۱۳۸۴). *نظام مدیریت استراتژیک ج ۲*، معاونت فرهنگی سازمان عقیدتی سیاسی اجا، تهران
- حسینی سعدی، حسین و گروه مؤلفان. (۱۳۹۹). *ارتش در دفاع مقدس (سال اول، تهاجم-تثبیت) ج ۱*، دانشگاه فرماندهی و ستاد اجا،
- حسینی، سید یعقوب. (۱۳۸۷). *تاریخ نظامی جنگ تحمیلی (زمینه‌های بروز جنگ)*، نشر آجا با همکاری هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، تهران
- حسینی، سید یعقوب. (۱۳۹۲). *عملیات کلی سال اول جنگ در خوزستان*، ایران سبز، تهران،
- حسینی، سید یعقوب. (۱۳۹۴). *طرح عملیاتی دفاعی ابوزر*، انتشارات ایران سبز، تهران
- حسینی، سید ناصر، (۱۳۹۶). *گفتمان ارتشی دفاع مقدس*، انتشارات ایران سبز، تهران،
- حسینی، سید یعقوب. (۱۳۹۷). *عملیات پدافندی ارونند در مهر و آبان ۱۳۵۹*، تهران: انتشارات ایران سبز،

- حسینی، سید ناصر. (۱۴۰۰). *بازشناسی شایستگی‌های فرماندهان نسل اول ارتش ج.ا.ا براساس اقدامات فرماندهی و ستاد (پیروزی انقلاب تا پایان سال اول جنگ ایران و عراق)*. فصلنامه علمی علوم و فنون نظامی، ۱۷(۵۸): ۷۵-۴۹.
- قانون اساسی ج.ا.ا، اصل یکصد و چهل و سوم
- - لطفیان، سعیده، (۱۳۸۴). *استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- فرد آر. دیوید، (۱۳۸۲). *پارسیان و اعرابی، مدیریت استراتژیک*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- سلیمان‌جابه، بهروز. (۱۳۹۳). *هفتاد سال خاطرات سرتیپ بهروز سلیمان‌جابه*. ایران سبز، تهران
- سازمان و روش ستاد برای افسران ستاد (دستور رزمی ۵-۱۰۱)، (۱۳۶۵). / اداره سوم ستاد مشترک ارتش ج.ا.ا.
- شهبایی، ناصر: ۱۳۸۵، *مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح*، دافوس اجا، تهران، صص ۱۰۶-۱۰۵.
- مرکز اسناد هیئت معارف جنگ، صورت جلسه گزارش ستاد نزاجا به تاریخ ۱۳۵۸/۰۹/۰۲
- مرکز اسناد هیئت معارف جنگ، دستورالعمل ۹-۰۶-۰۱-۰۱-۲۰۱-۱۵-۱۳۵۸/۰۸/۲۷
- اداره سوم (عملیات) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران
- کردزمن، آنتونی. (۱۳۸۹). *درس‌های جنگ مدرن*، ج ۱، حسین یکتا، انتشارات مرز و بوم، تهران، ص ۱۹۰
- علایی، حسین. (۱۳۹۱). *روند جنگ ایران و عراق*، ج ۱، انتشارات مرز و بوم، تهران، ص ۲۸۵.
- سامرایی، وفیق. (۱۳۸۰)، *ویرانی دروازه شرقی*، عدنان قارونی، تهران: مرکز چاپ ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه
- مفید، عبدالحسین. (۱۳۹۸). *بازخوانی جنگ تحمیلی*، ایران سبز، تهران،
- مرآتی، ابراهیم. (۱۳۹۶). *شهید چمران و هم‌زمان*، تهران: انتشارات ایران سبز، صص ۲۰-۱۷.
- Websters Third New International Dictionary. Springfield, MA: Merriam- Webster, 1993